

جواد قاسم آبادی: پرسش و پاسخ

جواد قاسم آبادی

۱- چرا گرایشهای سیاسی جمهوری خواه باورمند به جدائی دولت و دین تا کنون نتوانسته‌اند در اتحادی باهم علیه جمهوری اسلامی عمل کنند؟

پاسخ: در اثر عدم وجود دموکراسی پایدار و تجربه کار جمعی در ایران، فرقه گرائی، فردگرائی و عدم وجود فرهنگ کار جمعی، در میان طیف های سیاسی گوناگون ما ایرانیان بیداد می کند. امری که تنها شامل جمهوریخواهان نمی شود و از نظر من این «تفرقه»، بویژه در خارج از کشور، در میان همه طیف های سیاسی ایران چشمگیر است و از نظر من بدبختانه تا قبل از بازگشت به ایران نیز، این آرایش تغییر کیفی نخواهد کرد. از این امر این نتیجه را اتخاذ نمی کنم که چون این تغییر کیفی در خارج از کشور؛ بدلیل انتزاعی بودن مبارزه با رژیم حاکم بر ایران؛ ناممکن است، اساسا در این راستا و ایجاد پلاتفرمی برای همکاری های گسترده تر کوشش «نه» نمائیم. بحث من این است که در تلاش هائی که می کنیم دچار خوشبینی ذهنی دور از فرهنگ و واقعیت جامعه ایرانیان در تبعید نشویم. به عبارت دیگر این مشکل؛ عدم برخورداری از فرهنگ کار جمعی؛ از نظر من تاریخی است و حل آن نیز بدون اراده گرائی خودآزارانه و تنها در یک پروسه تاریخی و طولانی ممکن خواهد بود.

۲- چه موارد سیاسی را می توان در فعالیتهای مشترک گروه ها، سازمانها و افراد طیف جمهوری خواه به عنوان مبانی فعالیتهای مشترک در نظر گرفت؟

پاسخ: بر مبنای قرار های مصوب جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، موظفیم تا برای نفی و توقف «اعدام» و نقض مداوم حقوق بشر در ایران، با دیگر جمهوریخواهان فعالیت مشترک داشته باشد. متأسفانه در زمینه این نوع همکاری؛ که آن را همکاری بین «زُنه گروه جمهوریخواه» می نامیم؛ تا امروز تنها در ارتباط با نیروهای نماینده طبقات میانی جامعه ایران، دست خود را به پیش برده ایم و در ارتباط با نیروهای مذهبی و کارگری و تشکل های دموکراتیک موجود، کوتاهی بخرج داده ایم. از نظر من فعالیت های تا امروز «ما» در این زمینه، لازم هستند اما کافی نیستند.

در زمینه سیاسی متاسفانه کارِ «ما» از این هم دشوارتر خواهد شد! از نظر من جنبش تنها در سه محور امکان فعالیت سیاسی با «بخشی» از تشکل‌های موجود را دارد:

الف) لزوم نفی تمامیت این نظام برای کسب و بازتولید آزادی و دموکراسی و کوشش در راه عدالت اجتماعی

ب) مخالفت با هر گونه دخالت دولت‌های خارجی در امر کسب و استقرار آزادی در سراسر ایران

ج) باور به بلوغ سیاسی و نیروی لایزال مردم سراسر ایران و دفاع بی‌چون و چرا از مبارزات دموکراتیک ملل سراسر ایران برای کسب و بازتولید آزادی و دموکراسی در آینده ایران و منطقه.

۳- چه راه‌کارها و روندی را برای اتحاد اپوزیسیون جمهوری خواه مد نظر دارید؟

پاسخ: علنی و عمومی کردن جلسات تشکل‌های محلی و مشارکت با دیگر جمهوریخواهان اما نه فقط زُنه گروه جمهوریخواه! مشارکت با همه جمهوریخواهان هر محل، جهت رفق و فتق امور محلی، به همین سادگی!

۴- پیشنهاد شما برای همکاری و نزدیکی هر چه بیشتر گرایش‌های جمهوری خواه چیست؟ در چه زمینه‌هایی می‌توان فعالیت‌های مشترک و گسترده تری را برنامه‌ریزی کرد؟

من قبل از پاسخ به سؤال نخست، از خود و همه عزیزان در عام‌ترین وجه خود سؤال دویم را مطرح می‌کنم! به راستی در خارج از کشور «در چه زمینه‌هایی می‌توان فعالیت‌های مشترک و گسترده تری را برنامه‌ریزی کرد»؟ خُب بعد از سی سال زندگی در تبعید بر این باورم که تنها در دو «زمینه» و در دو «حوزه» قادر به همکاری خواهیم شد. یکی داد و بیداد در موارد قتل عمد دولتی (که «اعدام» می‌نامندش) و نقض مکرر حقوق بشر و دیگری در برگزاری سمینارهای بحث و گفتگو و نشست‌های عمومی تصمیم‌گیری جمعی و لا غیر! این دو فعالیت را نیز در دو حوزه شایسته است تا به پیش بریم. در حوزه‌های محلی و در مقیاس سراسری، چه مجازی و چه حقیقی این وظیفه را به پیش بریم!